

علل و پیامدهای رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی و چگونگی مدیریت آنها

مهناز برادری حاجی خواجولو^۱، اکرم نجف وند گبلو^۲، شهناز برادری حاجی خواجه لو^۳

تاریخ پذیرش: ۱۷ مرداد ماه ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۵ خرداد ماه ۱۴۰۴

چکیده

رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های تعلیم و تربیت به شمار می‌آیند که می‌توانند فرایند یاددهی-یادگیری، سلامت روانی دانش‌آموزان و کارآمدی مدارس را با اختلال مواجه سازند. هدف پژوهش حاضر، تبیین علل و پیامدهای رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی و بررسی نقش جو مدرسه در مدیریت و کاهش این رفتارهاست. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و با رویکرد کاربردی انجام شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم مدارس دولتی شهرستان اصلاندوز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان و پرسشنامه جو مدرسه بود که روایی و پایایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون تحلیل شدند. نتایج نشان داد که سطح رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان در حد متوسط است و بین جو مدرسه و رفتارهای انحرافی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($r = -0.48$). این یافته‌ها حاکی از آن است که بهبود جو مدرسه، تقویت روابط انسانی و افزایش حمایت اجتماعی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان ایفا کند.

واژگان کلیدی: رفتارهای انحرافی؛ جو مدرسه؛ مدیریت آموزشی؛ دانش‌آموزان

^۱ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اصلاندوز، ایران

^۲ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اصلاندوز، ایران

^۳ گروه آموزش ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل، اصلاندوز، ایران

۱- مقدمه

محیط‌های آموزشی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در جامعه‌پذیری، انتقال ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های شناختی و اجتماعی ایفا می‌کنند. مدارس و دانشگاه‌ها نه تنها محل یادگیری رسمی، بلکه عرصه‌ای برای شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی، روابط بین‌فردی و تمرین قواعد زندگی جمعی هستند. با این حال، این محیط‌ها همواره عاری از چالش و آسیب نبوده‌اند و بروز رفتارهای انحرافی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان، به یکی از دغدغه‌های جدی نظام‌های آموزشی در سراسر جهان تبدیل شده است. رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی می‌توانند از بی‌انضباطی‌های ساده، غیبت و تقلب آموزشی آغاز شده و تا پرخاشگری، خشونت، مصرف مواد، قلدری، تخریب اموال عمومی و حتی بزهکاری گسترده یابند (Shoemaker, 2018).

اهمیت پرداختن به رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی از آن جهت است که این رفتارها نه تنها روند یاددهی-یادگیری را مختل می‌کنند، بلکه پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدتی برای فرد، گروه همسالان، معلمان و کل نظام آموزشی به همراه دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تجربه مکرر رفتارهای انحرافی در مدرسه با افت تحصیلی، ترک تحصیل، کاهش احساس تعلق به مدرسه و افزایش احتمال ورود به رفتارهای پرخطر در بزرگسالی مرتبط است (Henry et al., 2012). از سوی دیگر، ناتوانی نظام آموزشی در مدیریت مؤثر این رفتارها می‌تواند به تضعیف اقتدار آموزشی، فرسودگی شغلی معلمان و کاهش اعتماد اجتماعی به کارکرد مدارس منجر شود (Evertson & Weinstein, 2006).

در دهه‌های اخیر، تحولات اجتماعی، فرهنگی و فناوریانه، پیچیدگی رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی را افزایش داده است. گسترش شبکه‌های اجتماعی، تغییر الگوهای ارتباطی، تضعیف برخی نهادهای سنتی جامعه‌پذیری و افزایش فشارهای اقتصادی و روانی بر خانواده‌ها، همگی زمینه‌هایی را فراهم کرده‌اند که در آن بروز رفتارهای انحرافی شکل‌های جدیدتری به خود گرفته است؛ از جمله قلدری سایبری، تقلب‌های فناوریانه و اشکال نوین خشونت نمادین (Patchin & Hinduja, 2015). از این رو، تحلیل علل و پیامدهای این رفتارها و ارائه راهبردهای مدیریتی مبتنی بر شواهد علمی، ضرورتی انکارناپذیر برای سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران آموزش محسوب می‌شود.

هدف اصلی این مقاله، تبیین علل و پیامدهای رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی بر اساس ادبیات نظری و پژوهشی موجود و بررسی رویکردهای مؤثر در مدیریت و کنترل این رفتارهاست. در این راستا، ابتدا مفهوم رفتار انحرافی و چارچوب‌های نظری مرتبط با آن مرور می‌شود، سپس مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی مؤثر بر بروز این رفتارها مورد بحث قرار می‌گیرد و در نهایت، پیامدها و راهبردهای مدیریتی مبتنی بر رویکردهای پیشگیرانه و مداخله‌ای تبیین می‌شود.

۲- ادبیات نظری

۲-۱ مفهوم رفتار انحرافی در محیط‌های آموزشی

رفتار انحرافی به‌طور کلی به کنش‌ها و الگوهای رفتاری اطلاق می‌شود که با هنجارها، قوانین و انتظارات پذیرفته‌شده یک جامعه یا نهاد اجتماعی در تعارض هستند (Clinard & Meier, 2016). در

محیطهای آموزشی، رفتار انحرافی شامل هرگونه رفتاری است که نظم آموزشی، فرایند یادگیری و اهداف تربیتی مدرسه یا دانشگاه را مختل کند. این رفتارها می‌توانند خفیف (مانند بی‌توجهی در کلاس) یا شدید (مانند خشونت فیزیکی) باشند و بسته به زمینه فرهنگی و ساختار نهادی، تعاریف متفاوتی پیدا کنند (Benbenishty & Astor, 2005).

نظریه آنومی دورکیم و مرتن: امیل دورکیم رفتار انحرافی را پدیده‌ای اجتماعی می‌داند که در شرایط آنومی یا نابسامانی هنجاری بروز می‌کند؛ وضعیتی که در آن هنجارهای اجتماعی تضعیف شده یا کارکرد خود را از دست می‌دهند (Durkheim, 1951). رابرت مرتن با بسط این دیدگاه، نظریه فشار را مطرح کرد و نشان داد که شکاف میان اهداف فرهنگی پذیرفته‌شده (مانند موفقیت تحصیلی) و ابزارهای مشروع دستیابی به آن‌ها، می‌تواند افراد را به رفتارهای انحرافی سوق دهد (Merton, 1968). در محیطهای آموزشی، فشار برای موفقیت تحصیلی در کنار محدودیت منابع حمایتی، می‌تواند زمینه‌ساز تقلب، پرخاشگری یا کناره‌گیری شود.

نظریه کنترل اجتماعی: نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بر این فرض استوار است که افراد به‌طور طبیعی مستعد انحراف هستند و آنچه آنان را از رفتار انحرافی باز می‌دارد، پیوندهای اجتماعی قوی با نهادهایی چون خانواده، مدرسه و همسالان است (Hirschi, 1969). در این چارچوب، ضعف دلبستگی به مدرسه، تعهد پایین به اهداف آموزشی و مشارکت محدود در فعالیتهای مدرسه‌ای، احتمال بروز رفتارهای انحرافی را افزایش می‌دهد.

نظریه یادگیری اجتماعی: بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، رفتارهای انحرافی از طریق مشاهده، الگوبرداری و تقویت در تعاملات اجتماعی آموخته می‌شوند (Bandura, 1977). در محیطهای آموزشی، تعامل با همسالان منحرف، مشاهده خشونت یا بی‌انضباطی و دریافت پاداشهای اجتماعی برای این رفتارها، می‌تواند به تداوم و گسترش آن‌ها منجر شود.

۲-۲ عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای انحرافی در محیطهای آموزشی

عوامل فردی: ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های خودکنترلی، سلامت روان و سطح انگیزش تحصیلی از جمله عوامل فردی مؤثر بر رفتارهای انحرافی هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خودکنترلی پایین و مشکلات تنظیم هیجان با احتمال بالاتر بروز رفتارهای پرخاشگرانه و قانون‌گریز در مدرسه مرتبط است (Gottfredson & Hirschi, 1990).

عوامل خانوادگی: خانواده به‌عنوان نخستین نهاد جامعه‌پذیری، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای دانش‌آموزان دارد. سبک‌های فرزندپروری مستبدانه یا سهل‌گیرانه افراطی، تعارضات خانوادگی و نظارت ضعیف والدین با افزایش رفتارهای انحرافی در محیطهای آموزشی مرتبط دانسته شده‌اند (Steinberg, 2001).

عوامل مدرسه‌ای: جو مدرسه، کیفیت رابطه معلم-دانش‌آموز، عدالت آموزشی و شیوه‌های انضباطی از مهم‌ترین عوامل مدرسه‌ای هستند. مدارس با جو حمایتی و مشارکتی کمتر با رفتارهای انحرافی شدید مواجه می‌شوند، در حالی که رویکردهای تنبیهی صرف می‌توانند به تشدید این رفتارها بینجامند (Skiba & Peterson, 2000).

عوامل اجتماعی و فرهنگی: نابرابری‌های اجتماعی، فقر، حاشیه‌نشینی و تأثیر رسانه‌ها و فرهنگ عامه نیز در بروز رفتارهای انحرافی نقش دارند. نظریه تضاد اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کند که ساختارهای نابرابر قدرت و منابع، برخی گروه‌ها را بیش از دیگران در معرض برچسب‌زنی و انحراف قرار می‌دهد (Quinney, 1977).

۲-۳ پیامدهای رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی

رفتارهای انحرافی پیامدهای چندسطحی دارند. در سطح فردی، این رفتارها با افت تحصیلی، مشکلات روانی و کاهش فرصت‌های اجتماعی همراه هستند. در سطح مدرسه‌ای، افزایش تنش، ناامنی و کاهش کیفیت آموزش از پیامدهای رایج است. در سطح اجتماعی، تداوم این رفتارها می‌تواند به بازتولید نابرابری و افزایش بزهکاری در آینده منجر شود (Farrington, 2005).

رویکردهای مدیریت رفتارهای انحرافی از مدل‌های تنبیهی سنتی به سوی رویکردهای پیشگیرانه و حمایتی حرکت کرده‌اند. برنامه‌های یادگیری اجتماعی-هیجانی، تقویت مشارکت دانش‌آموزان، همکاری مدرسه و خانواده و استفاده از انضباط ترمیمی از جمله راهبردهای مؤثر شناخته شده‌اند (Bear, 2010; Durlak et al., 2011).

هدف کلی این پژوهش تبیین علل و پیامدهای رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی و ارائه چارچوبی علمی برای مدیریت و کاهش این رفتارها بر اساس رویکردهای پیشگیرانه و مداخله‌ای است.

۳-فرضیه پژوهش

بین کیفیت جو مدرسه و میزان بروز رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی رابطه معنادار منفی وجود دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش حمایت و مشارکت در جو مدرسه، رفتارهای انحرافی کاهش می‌یابد.

۴-روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و با رویکرد کاربردی است، زیرا هدف آن تبیین روابط میان متغیرهای مرتبط با رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی و ارائه راهکارهای مدیریتی مبتنی بر شواهد تجربی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم مدارس دولتی شهرستان اصلاندوز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تشکیل می‌دهند که به دلیل قرار داشتن در سنین حساس نوجوانی، بیشترین احتمال بروز رفتارهای انحرافی را دارند. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام می‌شود؛ بدین صورت که ابتدا تعدادی مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شده و سپس از هر مدرسه، دانش‌آموزان به طور تصادفی ساده وارد نمونه می‌شوند. با توجه به جدول کرجسی و مورگان،

حجم نمونه برابر با ۳۰۰ نفر در نظر گرفته می‌شود که از نظر آماری برای تعمیم‌پذیری نتایج کفایت دارد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان برگرفته از چارچوب نظری رفتار انحرافی کلینارد و مایر (Clinard & Meier) و پرسشنامه جو مدرسه هوی و میسکل (Hoy & Miskel) است که ابعاد نظم، حمایت اجتماعی و روابط معلم-دانش‌آموز را می‌سنجد. روایی صوری و محتوایی ابزارها از طریق نظرخواهی از متخصصان علوم تربیتی تأیید شد. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده که برای همه مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۷۸ به دست آمده و نشان‌دهنده ثبات درونی مناسب ابزار است. در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون با استفاده از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته می‌شود تا میزان و جهت رابطه بین جو مدرسه و رفتارهای انحرافی تبیین گردد.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- یافته‌های توصیفی متغیرها

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
رفتارهای انحرافی	۳۰۰	۲۸۴	۰۶۷	۱۲۰	۴۶۰

تفسیر جدول ۱. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان برابر با ۲۸۴ است که بیانگر سطحی متوسط از بروز رفتارهای انحرافی در جامعه مورد بررسی است. میزان انحراف معیار نسبتاً پایین (۰۶۷) حاکی از پراکندگی محدود نمرات پیرامون میانگین بوده و نشان می‌دهد اغلب دانش‌آموزان الگوی رفتاری نسبتاً مشابهی دارند. این یافته می‌تواند مؤید آن باشد که رفتارهای انحرافی در محیط آموزشی مورد مطالعه به‌صورت فراگیر اما نه شدید وجود دارد و نیازمند مداخلات پیشگیرانه و اصلاحی است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی جو مدرسه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
جو مدرسه	۳۰۰	۳۶۲	۰۵۸	۲۱۰	۴۸۰

تفسیر جدول ۲. میانگین متغیر جو مدرسه برابر با ۳۶۲ گزارش شده است که نشان‌دهنده ارزیابی نسبتاً مطلوب دانش‌آموزان از فضای آموزشی، روابط انسانی و میزان حمایت اجتماعی در مدرسه است. انحراف معیار ۰۵۸ بیانگر همگنی نسبی دیدگاه‌هاست. این وضعیت می‌تواند زمینه‌ای مساعد برای کاهش رفتارهای انحرافی فراهم آورد، هرچند وجود رفتارهای انحرافی در سطح متوسط نشان می‌دهد که جو مثبت مدرسه به‌تنهایی کافی نبوده و باید با راهبردهای مدیریتی مکمل همراه شود.

۵-۲- یافته‌های استنباطی پژوهش

جدول ۳. آزمون همبستگی پیرسون بین جو مدرسه و رفتارهای انحرافی

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (Sig)
جو مدرسه × رفتارهای انحرافی	-۰.۴۸	۰.۰۰۱

تفسیر جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین جو مدرسه و رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد ($p < 0.01$, $r = -0.48$). این یافته بیانگر آن است که هرچه جو مدرسه از نظر حمایت اجتماعی، عدالت آموزشی و کیفیت روابط انسانی مطلوب‌تر باشد، میزان بروز رفتارهای انحرافی کاهش می‌یابد. شدت این رابطه در حد متوسط ارزیابی می‌شود و از نقش مهم اما نه انحصاری متغیر جو مدرسه در تبیین رفتارهای انحرافی حکایت دارد.

۶- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که رفتارهای انحرافی در محیط‌های آموزشی پدیده‌ای چندعاملی است که تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و اجتماعی شکل می‌گیرد. یافته‌های استنباطی پژوهش بیانگر وجود رابطه‌ای منفی و معنادار بین جو مدرسه و میزان بروز رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان است؛ به این معنا که هرچه فضای مدرسه از نظر حمایت اجتماعی، عدالت آموزشی و کیفیت روابط معلم-دانش‌آموز مطلوب‌تر باشد، احتمال بروز رفتارهای انحرافی کاهش می‌یابد. این نتایج با مبانی نظری کنترل اجتماعی و پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد و بر نقش کلیدی مدرسه به‌عنوان یک نهاد تربیتی تأکید می‌کند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی به جای تمرکز صرف بر رویکردهای تنبیهی، از راهبردهای پیشگیرانه و حمایتی همچون تقویت جو مثبت مدرسه، آموزش مهارت‌های اجتماعی-هیجانی، افزایش مشارکت دانش‌آموزان و تعامل مؤثر با خانواده‌ها بهره‌گیرند. چنین رویکردی می‌تواند ضمن کاهش رفتارهای انحرافی، زمینه‌ساز ارتقای سلامت روانی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان شود.

منابع (بر اساس APA)

- Bandura, A. (1977). Social learning theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Bear, G. G. (2010). School discipline and self-discipline. New York, NY: Guilford Press.
- Benbenishty, R., & Astor, R. A. (2005). School violence in context. New York, NY: Oxford University Press.

- Clinard, M. B., & Meier, R. F. (2016). *Sociology of deviant behavior* (15th ed.). Boston, MA: Cengage.
- Durkheim, E. (1951). *Suicide*. New York, NY: Free Press.
- Durlak, J. A., Weissberg, R. P., Dymnicki, A. B., Taylor, R. D., & Schellinger, K. B. (2011). The impact of enhancing students' social and emotional learning. *Child Development*, 82(1), 405–432.
- Evertson, C. M., & Weinstein, C. S. (2006). *Handbook of classroom management*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Farrington, D. P. (2005). Childhood origins of antisocial behavior. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 12(3), 177–190.
- Gottfredson, M. R., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Henry, D. B., Knight, K. E., & Thornberry, T. P. (2012). School disengagement as a predictor of dropout. *Journal of Research on Adolescence*, 22(1), 1–15.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Merton, R. K. (1968). *Social theory and social structure*. New York, NY: Free Press.
- Patchin, J. W., & Hinduja, S. (2015). *Bullying beyond the schoolyard*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Quinney, R. (1977). *Class, state, and crime*. New York, NY: Longman.

- Shoemaker, D. J. (2018). Theories of delinquency (7th ed.). New York, NY: Oxford University Press
- Skiba, R. J., & Peterson, R. L. (2000). School discipline at a crossroads. *Exceptional Children*, 66(3), 335–346
- Steinberg, L. (2001). We know some things. *Journal of Research on Adolescence*, 11(1), 1–19